

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه بین المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری
دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

تأثیر پیشداوری و تاریخمندی بر فهم از منظر هانس گئورگ گادامر

پایان نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد
رشته‌ی فلسفه‌ی غرب

استاد راهنما:

دکتر علی نقی باقرشاهی

استاد مشاور:

دکتر محمد حسن حیدری

نگارش:

مهدی محمدی اصل

اسفند ۸۸

بسمه تعالی



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی
(فرم شماره ۲۶)

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب دانشجوی رشته مقطع تحصیلی
بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / تز تحصیلی خود، با
عنوان
کرده، اعلام می نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به
هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین
المللی، نبوده و تعهد می نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا
لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل
در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال
مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت ها و پیامدهای قانونی و یا
خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء و تاریخ
۱۳۹۲/۱۱/۱۷



جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای مهدی محمدی اصل دانشجوی رشته فلسفه با عنوان "تاثیر پیشداوری و تاریخمندی بر فهم از منظر هانس گئورگ گادامر" در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۰ در اتاق ۸۵۶ دانشکده ادبیات و علوم انسانی برگزار گردید و مورد تأیید هیات داوران قرار گرفت.

اعضای هیات داوران:

استاد راهنما: دکتر علی نقی باقرشاهی

باقرشاهی

استاد مشاور: دکتر محمد حسن حیدری

داور خارجی: دکتر علی مرادخانی

داور داخلی: دکتر سید محمد حکاک

نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر علی فتح طاهری

چکیده؛

چنانکه از عنوان رساله پیداست دغدغهی من دو مفهوم اصلی در هرمنوتیک فلسفی گادامر است؛ یعنی پیشداوری و تاریخمندی. بعلاوه تمام تلاش بر این بود که این دو مفهوم از عصر روشنگری تا آنجا که در هرمنوتیک گادامر نقشی محوری می‌یابند دنبال شوند. پیشداوری واجد دلالات مثبت و منفی است. چنانکه در عرف عام به ارزشیابی و داوری مغرضانه و بدون شواهد و دلایل کافی اطلاق می‌گردد. پس از هایدگر که این بحث را در قالب پیش-داشت، پیش-دید و پیش-مفهوم در فرایند فهم مطرح ساخت این مفاهیم با نام پیشداوری در هرمنوتیک گادامر نقش محوری یافتند.

در خصوص تاریخمندی نیز قضیه از همین قرار است. تاریخمندی و پیشداوری هر دو مطرود شلایرماخر بودند و هر دو را از عوامل سوء فهم می‌دانست. در نزد دیلتای هر چند پیشداوری مطرود است اما تاریخمندی به دیده گرفته می‌شود. برای هایدگر و شاگرد خَلَف او، گادامر، که نظریه‌ی تاریخمندی دیلتای را بنحو سازگارتری بسط دادند، مفهوم مذکور به همراه مفهوم پیشداوری چنان نقش مهمی را بازی می‌کنند که حذف و طرد آنها برابر با از میان بردن امکان هر نوع فهمی است. در نزد هایدگر تاریخمندی یکی از بنیادهای هستی‌آدمی و در نظر گادامر حدّ شناخت و شرط امکان آن است.

تقدیر و تشکر؛

پیش از هر چیز بر خود واجب می‌دانم از زحمات و راهنمایی‌های جناب آقای دکتر علی‌نقی باقرشاهی که زحمت راهنمایی و دستگیری‌ام را متقبل شدند، مراتب قدردانی خویش را بیان کنم. از جمله‌ی خصال نیکوی استاد صبر ایشان در همراهی و راهنمایی‌ام بود به گونه‌ای که اکنون به جرأت می‌توانم بگویم که استاد به جز راهنمای بنده در این رساله، حال دیگر راهنمای رساله‌ی اخلاقی زندگی‌ام شده است.

سپاس از جناب آقای دکتر محمد حسن حیدری را که با مشاوره‌هایشان، بخصوص در مبحث مربوط به هایدگر، یاری رسانم بودند بر خود واجب می‌دانم، هر چند که تکلیف یافتن واژه‌ای درخور برای سپاسگذاری تکلیفی بی‌پایان است.

در پایان نیز با زبانی الکن از همسرم سپاسگذاری می‌کنم، همو که با دلشوره‌هایش مرا همراهی و با کتاب‌هایم تنه‌ایم گذاشت.

فهرست:

علائم اختصاری.....	۳
مقدمه.....	۵
فصل اول	۸
هرمنوتیک شلایر ماخر	۸
شلایر ماخر (۱۷۶۸-۱۸۳۴).....	۹
هرمنوتیک از منظر شلایر ماخر.....	۱۱
دو نوع روش تأویل.....	۱۲
پیشداوری و تاریخیمندی مطابق هرمنوتیک شلایر ماخر.....	۲۹
فصل دوم	۳۲
ویلهم دیلتای	۳۲
ویلهم دیلتای (۱۸۳۳-۱۹۱۱).....	۳۳
تفاوت میان علوم انسانی و علوم طبیعی.....	۳۵
تجربه.....	۳۸
بیان.....	۴۰
فهم.....	۴۵
تاریخیمندی در هرمنوتیک دیلتای.....	۴۹
دور هرمنوتیکی و فهم در هرمنوتیک دیلتای.....	۵۵
بررسی تأثیر پیشداوریهها در فهم از منظر هرمنوتیک دیلتای.....	۵۷

۶۰	فصل سوم
۶۰	مارتین هایدگر
۶۱	مارتین هایدگر (۱۹۷۶-۱۹۸۸)
۶۱	زمان از منظر هایدگر
۶۳	حیث زمانی
۷۲	هرمنوتیک و فهم
۷۸	تاریخمندی
۸۶	نقش پیش-داشت، پیش-دید، پیش-فهم در فهم
۹۱	دور هرمنوتیکی نزد هایدگر
۹۴	فصل چهارم
۹۴	هانس گئورگ گادامر
۹۵	هانس گئورگ گادامر
۹۸	دوره‌ی ابتدایی و آلمان نازی
۱۰۱	گادامر و زیبایی‌شناسی
۱۱۲	زبان و زبانمندی از منظر گادامر
۱۲۴	پیشداوری و تاریخمندی در هرمنوتیک گادامر
۱۷۹	مؤخره
۱۸۰	منابع و مآخذ

علائم اختصاری؛

در ارجاعاتی که در پانوشته‌ها آمده است، برای جلوگیری از ذکر نام و مشخصات کامل کتاب ابتدا نام نویسنده، سپس سال انتشار کتاب و در آخر نیز شماره‌ی صفحه ذکر شده است، اما از آنجا که برخی کتب شامل چند مقاله از نویسندگان مختلف بودند، نام نویسنده به همراه نام اختصاری کتاب (و نه مقاله‌ی مورد استفاده) ذکر شده است و در چند مورد نیز به جهت همسان بودن نام کتاب و سال انتشار کتابی که در دسترس داشتم بناچار با تفصیل بیشتری مشخصات کتاب را ذکر کرده‌ام، لازم به ذکر است که این روش هم در خصوص منابع انگلیسی و هم منابع فارسی رعایت شده است. اما فهرست کتبی که نام آنها به صورت اختصاری مورد استفاده قرار گرفته از این قرار است؛

- ۱- دیوید کوزنز هوی، حلقه‌ی انتقادی؛ ادبیات، تاریخ و هرمنوتیک فلسفی، مراد فرهاد پور، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵ = ح.ا.
- ۲- هایدگر، گادامر، فوکو، ديلتای و ...، زرتشت نیچه کیست؟ و مقالات دیگر، محمد سعید حنایی کاشانی، چ سوم، هرمس، ۱۳۸۵ = زن.ک.
- ۳- نیچه، هیدگر، گادامر، ریکور، فوکو، اکو، درایفوس و ...، هرمنوتیک مدرن؛ گزینه‌ی جستارها، بابک احمدی، مهران مهاجر، محمد نبوی، چ ششم، نشر مرکز، ۱۳۸۶ = ه.م.

- 1- Andrew Bowie, *The Philosophical Significance of Schleiermacher's Hermeneutics*, in: *The Cambridge Companion to Schleiermacher*, Edited by Jacqueline Mariña, Cambridge University Press, 2005= **CCS**.
- 2- Brice R. Wachterhauser, *History and Language in Understanding*, in: *Hermeneutics and Modern Philosophy*, published by State University of New York Press, Albany, 1986 = **HLU**.
- 3- Charles Larmore, *Tradition, Objectivity, and Hermeneutics*, in: *Hermeneutics and Modern Philosophy*, Edited by Brice R. Wachterhauser, State University of New York Press, Albany, 1986 = **HMP**.
- 4- David Couzens Hoy, *Heidegger and the Hermeneutic Turn*, in: *The Cambridge Companion to Heidegger*, Edited by Charles B. Guignon, Cambridge University Press, New York, 1993= **CCH**.
- 5- Georgia Warnke, *Literature, Law, and Morality*, in: *Gadamer's repercussions: reconsidering philosophical hermeneutics*, Edited by Bruce Krajewski, University of California Press, London, 2004= **GR; RPH**.
- 6- Hans Georg Gadamer, *Philosophical Hermeneutics*, Translated and Edited by David E. Linge, University of California Press, London, 2004 = **PH**.
- 7- Hans-Georg Gadamer, *Truth and Method*, translation revised by Joel Weinsheimer and Donald G. Marshal, london, 2004 = **TM**.
- 8- Osman Bilen, *The Historicity of Understanding and The Problem of Relativism in Gadamer's Philosophical Hermeneutics*, General Editor George F. Mclean, cultural heritage and contemporary change series I, culture and values, volume 27 series IIA, Islam, volume 11 = **HUPR**.

مقدمه

تکلیفی که در این رساله عهده‌دار شدم بازنمایی منش و نقشی بود که از منظر گادامر دو مفهوم پیشداوری و تاریخمندی در فهم بازی می‌کنند. در واشکافی این دو مفهوم در خصوص هر دو تأویل‌های متفاوت و گاه سوءفهم‌هایی، هم از این دو مفهوم و هم از برخی از دیگر عناصر هرمنوتیک فلسفی گادامر، یافتیم که کوشیدیم به قدر بضاعت بدانها پاسخ گوئیم. چنانکه بارها در متن اصلی رساله متذکر شدم یکی از مهمترین نکاتی که باید هماره به دیده گرفته شود تلاش در حفظ انسجام و نگرش سیستماتیک به هرمنوتیک گادامر است و معتقدم که بسیاری از نقدهایی که علیه او مطرح شده ناشی از فقدان چنین نگرشی و توجه به ابعاد و مضامین خاصی از هرمنوتیک فلسفی اوست.

چنانکه می‌دانیم گادامر نزدیک به یک سده زیست و در عصری می‌زیست که متفکران بزرگ دیگری همچون نیکلایی هارتمان، هایدگر، هابرماس، ریکور و سایرین هم در آن عصر زندگی می‌کردند از همین رو بواسطه‌ی مباحثاتی که انجام می‌داد و نقدهایی که بر کارهای او شد می‌توان نوعی خودپایی دائمی در کار او مشاهده کرد که این خود نیز دلیلی است برای تقاضای نگرش سیستماتیک از سوی هر آن کسی که در صدد فهم، شناساندن و انتقاد بر نظریات اوست.

از سویی تلاش کردم با مراجعه به آثار اصلی خود فیلسوف به درکی از مسئله نائل آیم، که همچون تلاش سایرین تلاشی است گره خورده به اکتونیت و فضای فکری و عملی حاضرم و صد البته مؤید این نکته نیز هست که فهم و تأویل ارائه شده در رساله تأویلی است در میان سایر تأویلهای و ادعایی هم در خصوص اطلاق و صحت همیشگی ندارد. در پی‌گیری این دو مفهوم کوشیدیم به تقابلهای میان نگاهی که این دو را به دیده می‌گیرد با نگاه مبنایان بخصوص دکارت اشاره کنم، چنین سیری نشان می‌دهد چنانکه از سده‌ی نوزدهم توجه به تاریخ بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافت

دریافتیم که به دلیل فقد توجه به پیشداوری و تاریخمندی مبنای مدعی دستیابی به معرفتی کلی، ثابت، و تغییرناپذیر و عینی بود. البته انتظار توجه تمامی مبنایان به این دو عنصر توهمی خام و نادیده گرفتن خود این دو عنصر است و دلیل توجه ما نیز بدانها بواسطه‌ی اهمیتی است که حال برای ما یافته‌اند و مرکزیتی است که در هرمنوتیک هایدگر و گادامر بدست آورده‌اند.

اما چنانکه انتظار می‌رفت کوشیدم مطابق نظر گادامر دلالت‌های مختلف این دو مفهوم را روشن و از هم متمایز سازم تا هم سدّ خلط آنها گردد و هم در بررسی این دو مفهوم نزد سه متفکر بزرگ دیگر یعنی شلایرماخر، دیلتای و هایدگر جانب انصاف رعایت شود. طبق تقسیم گادامر، که البته در این مرتبه معطوف به مضمون نیست زیرا به صورت پیشینی نمی‌توان در خصوص محتوای صحیح و سقیم پیشداوریها داوری کرد مگر آنکه وارد چالش فهم گردیم، پیشداوریها به دو دسته‌ی ۱- پیشداوریهای صحیح که مؤدی به فهم درست متن می‌گردند و ۲- پیشداوریهای سقیم که منجر به سوء فهم می‌گردند، تقسیم می‌شود.

از آنجا که خیال شلایرماخر جز با دستیابی به نیت مؤلف و معنای متن نزد او و مخاطبان اولیه‌اش آرام نمی‌گرفت مدعی طرد هر نوع پیشداوری گشت و حتی در صدد درنوردیدن فاصله‌ی تاریخی میان مؤلف و تأویل‌کننده برآمد. تنها راه این کار کشف نیت مؤلف بواسطه‌ی همدلی با او و برگزشتن از فاصله‌ی تاریخی مذکور بود، دیلتای نیز چنین می‌اندیشید و چنین تمایلی داشت. در نتیجه‌ی همین گرایش‌ها بود که بسیاری از جمله گادامر نسبت دادن نوعی روانشناسی‌گرایی را به ایشان روا دانستند، اما در این زمینه تفاوتی نیز میان شلایرماخر و دیلتای دیده می‌شود و آن عنصر تاریخمندی است که در کار دیلتای به چشم می‌خورد، هر چند بنا به انتقادات گادامر دیلتای نتوانست این نظریه را بنحو سازگاری بسط دهد و بکارگیرد. چنان که ملاحظه خواهد شد دیگر عناصر مهم هرمنوتیکی در کار شلایرماخر و دیلتای هر چند به اختصار آورده شده است تا از رهگذر آنها جایگاه این دو مفهوم در هرمنوتیک ایشان بهتر فهم گردد. هایدگر نیز این دو مفهوم را در فلسفه و هرمنوتیک خویش، که به

دلایل فلسفی و هستی‌شناسانه قابل تمییز نیستند، مطرح می‌سازد. هایدگر به جای استفاده از لفظ پیشداوری سه مفهوم پیش - داشت، پیش - دید و پیش - فهم را بکار می‌برد. در نزد هایدگر تاریخمندی شأن وجودی می‌یابد و سه مفهوم مذکور که هم خانواده‌های پیشداوری‌اند جز اساسی فهم به شمار می‌آیند و فهم نیز خود یکی از ساختارهای اساسی اگزیستانسیال دازاین است.

در بخش پایانی رساله که عمده‌ترین و مهمترین بخش آن است تلاش کردم تا علاوه بر این دو مفهوم، مباحث زیبایی‌شناسی و زبان و زبانمندی در نظر گادامر را نیز پی‌گیری کنم. البته جهت ربط آنها را نیز بازگو کرده‌ام. اغراق نیست اگر بگوئیم که پیشداوری و تاریخمندی از مهمترین عناصر هرمنوتیک فلسفی گادامر هستند. گادامر در توضیح پیشداوریه‌ها و نقش آنها در فهم از عناصری همچون سنت، حجیت، تاریخ تأثیرگذار [یا می‌توان گفت تاریخ تأثیرگذاری یک پدیدار تاریخی که شامل متن و آثار هنری نیز می‌گردد] و آگاهی متأثر از تاریخ کمک می‌گیرد.

فصل اول

هرمونوتیک شلایر ماخر

شلایرماخر^۱ (۱۷۶۸-۱۸۳۴)

می‌توان گفت که علاقمندی متفکرین مدرن به هرمنوتیک از زمانی آغاز شد که آثار شلایرماخر مورد توجه قرار گرفت، وی را از آن جهت بنیانگذار هرمنوتیک مدرن می‌دانند که علاوه بر علاقمندی به تأویل کتاب مقدس دامنه‌ی هرمنوتیک را به فراسوی حیطه‌ی دین کشاند تا در نتیجه بتوان آن را بطور کلی‌تر در تأویل متون به کار گرفت و البته برخی جنبش اصلاح دینی را در این روند مهمترین رخداد می‌دانند و آن را موجد جسارتی برای خوانش و تأویل متفاوت مسیحیت و کتب مقدس دانسته که به تأویل‌های کلیسای رُم گردن نمی‌نهاد.^۲ شلایرماخر نخستین کسی بود که هرمنوتیک را همچون علاقه‌ی مشترک افراد انسان به تفاهم متقابل یعنی علاقه به دسترسی یافتن به زمینه‌ی اصلی آنچه به خطر افتاده (که به گونه‌ای خاص از نظر شلایرماخر متون مقدس بود) مطرح کرد.^۳

می‌توان گفت او نخستین کسی بود که مسئله‌ی ماهیت فهم و تفسیر متن را در زمره‌ی مباحث هرمنوتیک درآورد درحالی‌که پیش از وی هرمنوتیک تنها تکنیک و منطق کمکی برای حصول فهم و تفسیر و رفع ابهام از متن بود.^۴ احتمالاً می‌توان این مسئله را بُعدی از هرمنوتیک عام وی دانست بدین شرح که وقتی هرمنوتیک از حالت فنّ و منطقی کمکی برای رفع ابهام و گشودگی مشکلات تفسیر بدر آید و هر گونه فهمی را دربرگیرد بدل به هرمنوتیک عام می‌گردد، چنانکه گفته‌اند: «سرّ عمومیت هرمنوتیک شلایرماخر را باید در تفسیر خاص او از فهم جستجو کرد»^۵، البته فهم نیز در اینجا

1 Friedrich Daniel Ernst Schleiermacher

۲ قاسم پور حسن، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵.

۳. همان، ص ۱۳۳.

۴ احمد واعظی، ۱۳۸۵، ص ۸۷.

۵ همان، ص ۸۸.

تعریفی متفاوت یافت (درک فردیت و راهیابی به دنیای ذهنی مؤلف) و بدین گونه بحث در باب ماهیت فهم راه را بر هرمنوتیک فلسفی گشود. از لحاظ کمی نیز شلایرماخر قلمرو هرمنوتیک را گسترش بخشید یعنی آن را منحصر در متون دینی ندید بلکه به کل متون و آثار هنری بسط داد.^۶

شلایرماخر وقتی از فهم سخن می‌گفت آن را برای تمامی متون یکی می‌دانست او منکر تفاوت حوزه‌ها نبود اما در بُن آنها وحدتی را نظاره می‌کرد: متون زبانی‌اند، حال اگر اصول فهم کامل زبان دقیقاً بیان شده بود این اصول مشتمل بر علم هرمنوتیک عام می‌بود که می‌توانست مبنای هر علم هرمنوتیک خاصی باشد. به اعتقاد او حتی فنّ تبیین که سازنده‌ی بخش اعظم نظریه‌ی هرمنوتیکی است نیز بیرون از علم هرمنوتیک قرار می‌گیرد، او می‌گوید: "همین که توضیح از حدّ گذشت بیرون از فهم قرار می‌گیرد و بدل به فنّ ارائه‌ی بیان می‌شود، فقط آنچه از نیستی حدّت فهم می‌نامد اصالتاً متعلق به علم هرمنوتیک است."^۷

وقتی ریکور می‌گوید که هرمنوتیک شلایرماخر عام است بدین معناست که وی فراتر از حوزه‌ی روان‌شناسی رفته و در پی تدوین قواعد و تأسیس مبانی برای فهم و شناخت و تأویل بود.^۸ البته گادامر در این خصوص می‌گوید هرمنوتیک روشی است قدیمی در شماری از رشته‌های معارف انسانی بویژه الهیات که پس از جنبش اصلاح دینی سرسپردگی خاصی به روش اصیل دستیابی به متن همچون موعظه در تقابل با سنت جزمی کلیسای رُم در آن ایجاد شده بود، زمینه‌ی دیگر هرمنوتیک نیز حقوق بود، اما تکامل هرمنوتیک در روزگار رُمانتیک به اوج خود رسید و این نکته را دریافت که در حرکت انقلاب فرانسه کل سنت تمدن غربی به خطر افتاده لذا پل زدن بر فراز شکاف

۶ همان، ص ۸۸.

۷ ریچارد ا. پالمر، ۱۳۸۷، صص ۹۶-۹۵.

۸ قاسم پور حسن، ۱۳۸۴، ص ۲۱۹.

میان دوران پسا انقلابی ما و خود آشکارگی تقریباً بحث ناپذیر سنت انسان‌گرایانه‌ی مسیحی سده‌های پیش بدل به مسئله‌ای اصلی شد.^۹

هرمنوتیک از منظر شلایرماخر

هرمنوتیک در نظر شلایرماخر هنر پرهیز از سوء فهم تعریف می‌شود. گادامر در حقیقت و روش می‌گوید بحث شلایرماخر در هرمنوتیک در باب شناخت سوء یا نادرست است نه در باب شناخت شناسی بدین معنا که تأویل هر متن فراگردی است که همواره ما را از فهم نادرست یا بد فهمی به جانب فهم درست پیش می‌برد.^{۱۰}

گادامر در بحثی روشنگر در باب هرمنوتیک شلایرماخر اظهار می‌دارد که شلایرماخر تغییر جهت‌ی ظریف در مفهوم کار هرمنوتیک پدید آورد که پیامدهای ژرف و عمیقی برای مسئله‌ی فهم به همراه داشت برای نمونه پیش از شلایرماخر در هرمنوتیک کلادینوس^{۱۱} یا فلاشیوس^{۱۲} کار علم هرمنوتیک به دلیل فقدان فهم متن آغازیدن گرفت؛ برای ایشان وضعیت متعادل فهم بیواسطه و بلا مانع موضوع اصلی متن بود. هرمنوتیک بمثابة امری کمک آموزشی بود که در موارد خاص و استثنایی که به دلایلی راه فهم متن مسدود می‌شد آن را معاونت می‌نمود. با این حال با شلایرماخر بحث دیگر نه در باب "نه فهمیدن" بل در عوض در باب تقدّم طبیعی بدفهمی است: شلایرماخر اعلان می‌دارد "فعالیت سست‌تر هنر فهم بر مبنای این فرض پیش می‌رود که فهم بطور طبیعی رُخ می‌دهد.... عمل مستحکم‌تر بر مبنای این فرض پیش می‌رود که بدفهمی بطور طبیعی بوجود می‌آید، و اینکه فهم می‌بایست در هر نقطه مطلوب باشد و جستجو شود".

۹ پُل ریکور، ۱۳۸۶، صص ۱۱۳-۱۱۲.

۱۰ قاسم پور حسن، ۱۳۸۴، ص ۲۱۸.

11 Chladenius

12 Flacius

بدهمی از طریق فاصله‌ی زمانی، تغییر در کاربرد زبان، یا در معانی کلمات و انحاء اندیشیدن به ذهن ما راه می‌یابد. به میان آمدن پیشرفت‌های تاریخی چون دامی‌اند که بالضروره فهم را گیر می‌اندازند مگر آنکه تأثیرات‌شان خنثی شود. از اینرو در نظر شلایرماخر معنای واقعی متن اصلاً آن چیزی نیست که "به نظرمی‌رسد" متن مستقیماً به ما می‌گوید. بلکه معنای متن باید با بازسازی منظم موقعیت تاریخی یا بافت زندگی‌ای که این متن در آن بوجود آمده، کشف گردد. تنها تأویلی انتقادی که از نظر روش کنترل و نظارت شده باشد می‌تواند مقصود مؤلف را برای ما آشکار و فاش سازد.^{۱۳}

شاید در اینجا شاهد تقابل عظیم شلایرماخر و گادامر هستیم بدین خاطر که اولی چنین فهمی را سوء فهم می‌داند ولی دومی علی‌رغم تأکید بر پالودن پیشداوری‌ها قائل است که گریزی از این امر نداریم و از اینرو بر این باور است که خواسته یا ناخواسته متن / اثر را به زمان خودمان منتقل می‌کنیم، و اما توضیحات مبسوط مربوط به این امر در موضع خویش خواهد آمد. احتمالاً اینکه شلایرماخر همواره سوء فهم را آن هم در حدّ بالایی محتمل می‌دانست ریشه در این باور تاریخ‌گرایی (که بدان نسبی‌گرایی نیز می‌گفتند) دارد که هر پدیده‌ی خاصی باید در فضای عصر خویش مفهوم بندی و درک شود، پس نباید با معیارهای عصر خویش در باب آن داوری کنیم، از نظر تاریخ‌گرایان هر کس متن گذشته و همه چیز را در چارچوب معیارهای زمان خویش می‌فهمد لذا فهم ما از تاریخ همواره نسبی است.^{۱۴}

دو نوع روش تأویل

با توجه به توضیحات فوق شلایرماخر قائل به دو نوع تأویل دستوری و روان شناختی می‌گردد، و دو عنصر را در کنش ادراک از هم جدا می‌کند ۱- درک گفتار همچون چکیده‌ی زبان ۲- ادراک همچون واقعیتی در ذهن اندیشنده، مورد نخست فهم

13 Hans Georg Gadamer, PH, 2004, pp xii-xiii.

۱۴ احمد واعظی، ۱۳۸۵، ص ۸۶.

هر لحظه از گفتار از راه شناخت نسبت آن با زبان (تأویل دستوری) و مورد دوم فهم مناسبت همان لحظه با عناصر دیگر ذهن (تأویل روانشناختی یا فنی). ریکور تمایز این دو نوع تأویل را پایدار می‌داند، تأویل دستوری ناظر بر ویژگی‌های کلامی است که مشترک یک اندیشه و فرهنگ است اما تأویل فنی یا روان‌شناختی به معنای مقصود مؤلف که در متن نهفته است توجه دارد. با این همه شلایرماخر همواره معتقد بوده که این دو رویکرد در فهم به هم پیوسته‌اند، بدین معنا که هیچ‌گاه این دو مقوله بطور کامل از یکدیگر مستقل نیستند بلکه مکمل یکدیگرند. پیش از شلایرماخر مارتین کلاونیوس در کتاب "درآمدی به تأویل درست از سخن‌ها" مسئله‌ی نیت مؤلف را طرح کرده بود. شلایرماخر متأثر از کانت، معتقد بود که مؤلف از آنچه آفریده تماماً آگاه نیست و مفسر می‌تواند سویه‌هایی از متن را کشف کند که مؤلف خود نتوانسته بود بدانها دست یابد، اما کلاونیوس علی‌رغم اعتقاد به دستیابی به نیت مؤلف فراروی از قصد و نیت مؤلف را فهم متن نمی‌دانست^{۱۵}، گادامر بنا بر مبانی‌اش نه از فهم برتر بل از فهم متفاوت متن سخن می‌گوید زیرا تأویل کننده خود در افقی دیگر می‌زید و متن/اثر را به درون افق خویش منتقل می‌سازد نه اینکه خود به افق و بافتی که اثر در آن خلق شده منتقل گردد. هایدگر نیز ترجیح می‌دهد به جای استفاده از القابی چون درست و نادرست از کلماتی چون اصیل و نااصیل استفاده کند. در حقیقت و روش گادامر شرحی از تفاوت میان دو دیدگاه فکری متفاوت عرضه می‌دارد، که توسط دیدگاه‌های شلایرماخر و هگل در باب کارکرد هرمنوتیک تلخیص شده است، شلایرماخر از "بازسازی" عینیت بخش "تعیین اولیه‌ی اثر"، و هگل از "ادغام" اثر در "تفکری که حاصل حیات معاصر است" دفاع می‌کند.

طبق نظر گادامر، شلایرماخر تأویل را به طریقی غیر از هگل عینیت می‌بخشد، در این خصوص روش هگل به آنچه گادامر خود می‌خواهد نزدیک‌تر است. اما گفته شده که تأویل گادامر از شلایرماخر در بهترین حالت مغرضانه است، و در جنبه‌های خاصی آشکارا گمراه کننده است. برای نمونه گادامر ادعا می‌کند این تصور شلایرماخر که

۱۵ قاسم پور حسن، ۱۳۸۴، ص ۲۲۴.